

پکن استراتژی‌اش در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای ایران را می‌سنجد

یکشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۴ مارس ۲۰۱۰
لوموند 8 مارس 2010

چین در سازمان ملل در رابطه با پرونده‌ی هسته‌ای ایران، به کدام سو جهت‌گیری خواهد کرد؟ دولت اوپاما بعد از یک سال سیاست «دراز کردن دست یاری» به سوی تهران، موضع سخت‌تری برگزیده. ایالات متحده شروع به توزیع طرح قطعنامه‌ی حاوی مجازات‌های جدید علیه جمهوری اسلامی کرده است. آخرین این قطعنامه‌ها مربوط به مارس 2008 بود.

چین مانع این پروژه است. جمهوری خلق [چین] تنها عضو دائمی شورای امنیت است که با طرح مجازات‌های جدید مخالفت می‌کند. روز 7 مارس یانگ جیشی وزیر امور خارجه‌ی چین گفت: «فشار و تحریم قادر به حل ریشه‌ای این مسئله نیست».

اما نشانه‌های دیگری هم [از چین] صادر شده‌اند، نشانه‌هایی که می‌تواند گویای نوعی نرمش باشد. پس از دیدار اخیر معاون وزیر خارجه‌ی آمریکا، جیمز اشتاین‌برگ از پکن، چین ابراز تمایلش نسبت به اینکه امیدوار است مسئله‌ی ایران از راه‌های دیپلماتیک حل و فصل شود را پس گرفت و از تهران خواست تا با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای (AIEA) همکاری بیشتری داشته باشد، تا موجب «برطرف شدن شک و تردیدها» در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای اش شود. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در آخرین گزارش خود در رابطه با ایران، به طرح این فرضیه پرداخت که این کشور این روزها سرگرم کار بر روی یک کلاهک هسته‌ای است.

استراتژی چین مشتمل بر اجزای مختلفی است: به تاخیر انداختن حداکثر تحریم‌ها، در حین اینکه در صورت لزوم برای اجتناب از انزوای دیپلماتیک به این تحریم‌ها رای خواهد داد، و این امر پس از تلاش برای کم کردن تاثیر آن صورت خواهد گرفت.

در چنین شرایطی یک رای‌گیری سریع در سازمان ملل غیرعملی است. وزیر خارجه‌ی آمریکا، هیلاری کلینتون گفت که امیدوار است «طی ماه‌های آینده» صورت پذیرد. تاریخ این امر می‌تواند پس از کنفرانس آزمایش پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (TNP) در

ماه می باشد.

به ممانعت چین می‌بایست امتناع برزیل را نیز افزود، کشوری که خانم کلینتون طی سفر هفته‌ای پیش خود به برازیلیا قادر نشد در رابطه با مجازات‌ها آنها را با خود همراه کند. رفتار چینی‌ها، به قول برخی، به نوعی همچون مشوقی برای کشورهای که اصراری برای سخت کردن لحن‌شان نسبت به تهران ندارند، عمل می‌کند.

در رابطه با پرونده‌ای هسته‌ای ایران، چین میان منافع، برخی مواقع متضاد در حال نوسان است. چین در لحظه می‌بایست به اهمیت روابطش با رژیم ملاحا به مثابه قطعه‌ای مرکزی برای ورود به صفحه‌ای شطرنج خاورمیانه، و همینطور اولویت گفتگوهایش با ایالات متحده بپردازد. روابطی که با توجه به مسئله‌ای تایوان و دیدار میان باراک اوباما و دلایی لاما به دست‌انداز افتاده.

چین بطور سنتی مخالف تحریم و مجازات است و به سیاست «عدم دخالت» اولویت می‌دهد. از اصل منع گسترش [سلاح‌های هسته‌ای] دفاع می‌کند، اما در رابطه با مورد ایران، از موضعی دفاع می‌کند که هیچ نشانه‌ای دایر بر تمایل به دستیابی به بمب هسته‌ای [از جانب ایران] مشهود نیست، و توانایی دستیابی به آن در کوتاه مدت نیز [برای ایران] وجود ندارد. به این طریق از نظر آنها این بسیج بین‌المللی دلیل موجهی ندارد.

به رغم این، دیپلمات‌های غربی معتقدند که پکن، که در سه دفعه‌ای پیشین در فاصله‌ای سال‌های 2006 تا 2008 در تحریم‌های محدود علیه تهران شرکت کرده، از حق وتوی خود برای ممانعت از یک قطعنامه استفاده نخواهد کرد. بخصوص از زمانی که روسیه نیز اعلام کرده که آماده‌ای پیوستن به چنین قطعنامه‌ای است. چین می‌تواند از رای دادن خودداری کند. البته می‌بایست زبان دیپلماتیک ویژه‌ای این امر را هم برای متحد ایرانی‌ش، با توجه به اهمیت روابطش با آنها بیابد.

ایران، بعد از عربستان سعودی و آنگولا سومین تامین کننده‌ای نفت چین است. کمپانی‌های نفتی چینی طی 5 سال گذشته 120 میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده اند. در سال 2009 دو کشور دو قرارداد مهم برای توسعه‌ای دو میدان نفتی پارس و آزادگان به امضا رساندند. و از آنجا که ایران توانایی کافی برای پالایش مواد نفتی در اختیار ندارد، بنا به اطلاعات ارائه شده توسط فایننشال تایمز، چینی‌ها روزانه میان 30000 تا 40000 بشکه نفت تصفیه شده به ایران تحویل می‌دهند. طی سال‌های اخیر چین از غیبت شرکت‌های غربی که در پی تحریم و فشارهای امریکا، قادر به کار با ایران نبودند، سود برده است.

نزدیکی‌های جغرافیایی و فرهنگی ایران با ایالتِ چینی گزینجیانگ، منطقه‌ای درگیر در تمایلاتِ «جدایی‌طلبانه»ی جمعیتِ مسلمانِ اویغور، پکن را ناچار می‌کند که از حسنِ نیتِ تهران یقین حاصل کند.

مرکز تحلیلیِ گروهِ بحران، در گزارشی دقیق و به تفصیل در رابطه با بازیِ چینی‌ها در مقابلِ [مسئله‌ی] هسته‌ای ایران معتقد است «تداوم راه‌های دیپلماتیک حرکاتِ تنبیهی را به تاخیر می‌اندازد و پکن را قادر می‌سازد که با استفاده از همه‌ی ظرفیت‌هایش از چانه‌زنی با ایران و کشورهای غربی حداکثر بهره‌برداری را بکند». مقامات رسمی همچنین اشاره کرده‌اند که تداوم فروش سلاح امریکایی به تایوان مانعی برای همکاری و همیاریِ چینی‌ها «در رابطه با پرونده‌های مهم بین‌المللی» است.

با وجود این، سارا رین متخصص انگلیسیِ امور چین معتقد است «قطعنامه‌ای معتدل از جانبِ شورای امنیت چین را قادر می‌سازد که در رابطه با امریکا و اروپا، یعنی شرکای تجاری اصلی‌اش سربلند بماند. اما این که این تحریم‌ها روی منافع آنها حداقل اثرات را داشته باشد، در اولویتِ کامل است».

به همین دلیل هم هست که ایالات متحده از عربستان سعودی خواسته که به چین تضمین بدهد که با افزایش فروش نفت به چین جای خالی احتمالی ایران را پر خواهد کرد. در صورتِ مسابقه‌ی تسلیحاتی و عدم ثبات در منطقه‌ی خلیج [فارس] هیچ بُردی نصیب پکن نخواهد شد، اینها پدیده‌هایی‌اند که در صورتی که توقفی بر تحرکاتِ ایران گذاشته نشود، در منطقه غیرقابلِ اجتناب خواهند بود. برگردان: سیامند

ملاله جویا صدائی از مقاومت در افغانستان

سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۹ مارس ۲۰۱۰

Suzanne Weiss

Socialist Voice

بمناسبت انتشار کتاب جدید خانم ملاله جویا بنام:

A Woman Among Warlords: The Extraordinary Story of an Afghan' 'Who Dared to Raise Her Voice

ملاله جویا نویسنده زن افغانی و فعال اجتماعی صدای افغانستان پنهان است. صدای مقاومت افغانستان. صدای افغانستانی که چریک‌ها پیش برای حقوق بشر و دمکراسی و استقلال مبارزه می‌کنند. صدای مبارزان افغانی ئی که تحت حکومت رژیم خشن کارزای که از سوی آمریکا پشتیبانی می‌گردد، هیچ راء ای ندارند.

ملاله جویا مورد سوء قصد های فراوان قرار گرفته است. ملاله را بخاطر اینکه علنا از حقوق زنان افغانی و همچنین بیرون رفتن آمریکائی/کانادائی ها و بیرون رفتن تمامی نیروهای نظامی مسلح ناتو دفاع می‌کند، می‌خواهند بقتل برسانند. وی اعتقاد دارد که تمامی انسانها در افغانستان – بخصوص زنان – باید برای حقوق پایه ای شان (حق آموزش، بهداشت، کنترل بر زندگی و جسم خویش) مبارزه نموده و در این راه خود را سازماندهی کنند. به نظر ملاله آنها در این امر تنها زمانی موفق خواهند شد که اشغالگران خارجی از افغانستان بیرون بروند.

کتاب جدید ملاله ما را فرا می‌خواند تا فعالیت هایمان را در به واقعیت پیوستن این هدف دو چندان نمائیم. کتاب جدید ملاله که با عشق به تحریر درآمده است در باره تجربیات بسیار و از جنگ و عاملان جنگ در افغانستان و همچنین در باره این مسئله که چگونه این پدیده موجودیت و زندگی افغانستان را منهدم نموده است، سخن می‌گوید.

ملاله در این کتاب در باره زادگاهش، خاطرات دوران کودکی اش و سنت دیرینه قرن ها مقاومت در برابر اشغالگران خارجی قلم فرسائی می‌نماید. نام ملاله از روی نام قهرمانی ملی بنام ملاله مایوند برداشته شده است. قهرمانی که نیروهای افغانی را در سال 1880 به پیروزی در مقابل متهاجمان بریتانیائی یاری رساند و خود در منطقه مایوند به شهادت رسید.

جویا می‌نویسد که چگونه بستگانش تحت اشغال شوروی ها (از سال 1979) رنج می‌کشیدند. آنزمان وی هنوز کودکی خردسال در آغوش مادرش بسر می‌برد. در این سال ها بسیاری از افغانها از ترس جانشان به کشورهای همسایه پناه می‌بردند. کشورهایی چون ایران و پاکستان. اکثر پناهندگان در مقرهای پناهندگی ای مستقر گردیدند که ملاله از آنها چون (مقرهای پناهندگان یهودی در جنگ جهانی دوم) یاد می‌کند. مقرهایی که محل ناچیز و بی ارزش شدن روح ملی و افتخار ملی افغانها بود.

پدر جویا در زندگی وی نقشی بزرگ و تعیین کننده بازی می‌کرد. وی اصرار داشت که ملاله و خواهر و برادرانش تحصیل نمایند. از این رو

خانواده وی از ایران به پاکستان مهاجرت نمود. در آنجا ملاله توانست به مدرسه پناهندگان افغانی راه پیدا نماید. جایی که وی برای اولین بار با جمعیت زنان انقلابی افغانستان (راوا) آشنا گردید و در تماس قرار گرفت. بنیان گذار این سازمان فعال اجتماعی بنام مینا بود که در سال 1987 بقتل رسید:

(www.rawa.org/meena.html)

برای دمکراسی و برای حقوق زنان ملاله خود عضو این سازمان نگردید اما وی از زنان راوا بعنوان زنان انقلابی نام می برد. زنانی که مبارزه ای بدون مصالحه را برای دمکراسی و حقوق زنان به پیش می بردند. امروز این سازمان از آنجا که منتقد دولت افغانستان است به لحاظ ترس از فشار و دستگیری بطور زیرزمینی در افغانستان مبارزه می نماید.

ملاله در سن 14 سالگی زمانی که خود هنوز در پاکستان به مدرسه می رفت، به جوان های دیگر درس می داد و از این راه هزینه تحصیلی کمی هم دریافت می نمود که به درآمد خانواده اش کمک می نمود. وی تلاش می کرد که زنان را تشویق کند که در کلاس درس وی شرکت نمایند. بعدها وی به سازمان زنان:

Organization for Promoting Afghan Women's Capabilities''
(OPAWC)

پیوست و فعال اجتماعی شد. هدف این سازمان غیر دولتی زنان تلاش برای برقراری آموزش و بهداشت برای زنان و دختران افغانی بود. ملاله در طی 16 سال تبعید شیفته مقاومت و مبارزه فلسطینی ها شد و آنرا تحسین نموده و تصمیم گرفت که بگفته خودش " یک فلسطینی در کشور خودم" بشود.

طالبان ها در فاصله سال های 1996 و 2001 بر افغانستان حکومت نمودند. از آنجا که آنها اعمال خشونت آمیز و موضعی ارتجاعی داشتند حکومت شان در تمامی مجامع مورد تنفر بود.

زمانی که آمریکائی ها در سال 2001 به افغانستان حمله نمودند، آزادی زنان و رهائی زنان از بند اسارت را به عنوان هدف خویش تبلیغ نمودند. بسیاری از افغان ها امید داشتند که ورود آمریکائی ها به افغانستان برای آنان آینده ای بهتر را به همراه بیاورد. آمریکائی ها در واقع حمله نظامیشان را با پوششی فمنیستی دروغین زمینه چینی نمودند و بانوی اول آنزمان آمریکا لارا بوش گفت که " هدف حمله نظامی آمریکا برقراری حقوق زنان در افغانستان است" و کولین پوول وزیر امور خارجه آمریکا ادعا نمود که " زنان افغانی از حقوق خود محرومند".

جویا می نویسد " از روز اول جنگ معلوم بود که آمریکائی ها

کوچکترین قصدی ندارند که از زنان افغانستان پشتیبانی کنند بلکه هدف آنها این بود که به بزرگترین دشمن زنان در کشور یاری رسانند. آن ها از "جبهه شمال" که ائتلافی از کسانی بود که بر ضد طالبان بودند اما درست بمانند طالبان ها برای اعمال شکنجه ساخته شده بودند، پشتیبانی می کردند. تجاوز به زنان برای آنها اسلحه ای بود که مردم را تروریزه کنند. همچنین مردان هم قربانی تجاوزات جنسی شدند. ... حتی کودکان خردسال 4 ساله هم مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند".

زمانی که طالبان ها زیر بمباران آمریکائی ها متواری شدند، جبهه شمال کابل را اشغال نمود. یکی از اولین حرکت های جبهه شمال بعد از اشغال کابل در نوامبر 2001 این بود که راهپیمائی برنامه ریزی شده زنان از میان خیابان های کابل را ممنوع نمود. برای زنان به هیچ وجه شرایط بهبود نیافت.

جویا می نویسد "اگر افغانستان امروز "کشوری شکست خورده است" دلیلش این است که کسانی که قبلا کشور ما را تنها گذاشته بودند، مجددا بر سر قدرت آمده اند".

سال 2006 جویا به شهرستان فرح در افغانستان بازگشت و کلینیکی باز نمود به نام:

Hamoon Health Care Clinic

این بیمارستان سه پزشک داشت و نیم دوجین پرستار و یک مرکز داوطلبانه امداد فوری. دولت این منطقه به جویا اخطار داد که کسی ضمانت امنیت وی را بعنوان سازمانده این پروژه نخواهد نمود. اما در روز بازگشائی مردم منطقه پشتیبانی خویش را به نمایش گذاشتند. مردم وعده کردند که خود برای امنیت بیمارستان اقدام کنند. ملاله صحنه هائی از این همبستگی ها را خود تجربه نمود. وی این همبستگی ها را بعنوان "مقاومت خاموش مردمی که زندگی خویش را به خطر می اندازند تا هم وطنان خویش را نجات دهند" نامید.

افغانستان یکبار دیگر اشغال شده بود. اشغالگران جدید آمریکائی ها و متحدانشان در ناتو بودند. جویا رهبران افغانستان را که از سوی آمریکا پشتیبانی می شوند متهم نمود که "با نام اسلام و جهاد بر علیه مردم خود جنگ کرده و زنان افغانستان را مورد فشار و ستم قرار می دهند".

وی می نویسد "اکثر مردم غرب بر این باورند که "بدترین فشارها و ستم ها به زنان افغانستان در زمان حکومت طالبان آغاز گردید" اما این یک دروغ است بلکه عاملین اصلی فشار مزمن به زنان افغانستان همین "جبهه شمالی ها" بودند که قبل از طالبان ها و همچنین بعد از طالبان ها نفوذ داشته و امروز بزرگترین تکیه گاه دولت کارزای

می باشند. وحشتناک ترین اعمال بر علیه زنان در فاصله جنگ داخلی سال های 90 آغاز گشت آنهم از سوی مردانی که امروز بر قدرت قرار دارند."

چادری که تمامی پیکر و صورت را می پوشاند (بورکه) غالباً بعنوان سمبل فشار طالبان ها بر زنان تعریف می شود اما زنان افغانستان امروز هم مجبور می شوند از این چادر استفاده کنند. آنهم از ترس اینکه مورد تجاوز جنسی و آدم ربائی و یا قتل قرار گیرند. جویا بما اطمینان می دهد که " مردان بسیاری در افغانستان وجود دارند که تفاهم دارند و برای امنیت زنان زندگی خود را به خطر می اندازند". بسیاری از زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و یا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. آنها خود سوزی می کنند تا از شرف خود دفاع کنند. جویا گریان فریاد می زند که افغانستان همواره چون پرنده ای است که تنها یک بال دارد - بال زنان بریده شده است - تا زمانی که فشار و ستم به زنان ادامه داشته باشد، جامعه ما نمی تواند پرواز کند و به پیش رود".

اکنون آمریکا هزاران سرباز دیگر به افغانستان فرستاده است - " با نام مبارزه با طالبان" - . بله جنگ و اشغال برای مردم افغانستان تنها رنج به همراه آورده است. برای میلیاردها هزینه و سیاست نظامی به اندازه کافی پول به جریان می افتد اما برای آموزش و بهداشت و مراقبت از کودکان به اندازه کافی وجود ندارد. جویا کتابش را تقدیم می کند به یاد و احترام بسیاری از زنان که در فاصله اشغال ناتو در افغانستان به شهادت رسیدند - در مبارزه برای خدمت های اجتماعی، در مبارزه برای آموزش، مبارزه برای حقوق زنان و شرایط بهتر زندگی برای کودکان.

جویا می نویسد " در مذهب اسلام نیامده است که زنان باید تحت ستم قرار گیرند. همچنین در مذاهب دیگر هم این مسئله قید نشده است - در برخی از اشکال مسیحیت یا یهودیت و یا هندوئیسم زنان تحت محدودیت های همسان تحت مذهب رنج می بردند - حجاب (روسری یا چادر) چیز دیگری نیست جز همان شال یا کلاه گیس که زنان سایر مذاهب استفاده می کردند.

صدای مقاومت

ملاله جویا تنها نیست. در سال 2005 وی از سوی مردم شهرستان فرح به عنوان نماینده برای پارلمان انتخاب گردید. وی دومین نفری بود که از بیشترین آراء مردم شهرستانش برخوردار شد. وی تلاش می کرد راهی پیدا کند تا به حکومت مجاهدین افغانی و بنیادگرایان افغانی خاتمه دهد. وی در این باره می نویسد: " من می دانستم که اکثریتی بیشمار از زنان و مردان افغانستان همین هدف را دنبال می کنند".

وی شجاعانه در پارلمان با سیاستمداران بر قدرت و قاچاقچیان و تبهکاران جبهه شمال درگیر گشت. آنها در سال 2007 وی را بعنوان عکس العمل بصورتی غیر دمکراتیک از منطقه راندند. اعضای منطقه وی را به خشونت جنسی تهدید نمودند.

بسیاری از مردم بر علیه این تصمیم دولت منطقه به اعتراض پرداختند. آنها در خیابان های کابل و شهرهای کوچک و بزرگ افغانستان به اعتراض پرداختند و غالباً تظاهرات های مسالمت آمیز مردم با دخالت پلیس همراه گشت. آنها با این توجیح که تظاهر کنندگان را در مقابل خشونت احتمالی محافظت نمایند. در جلال آباد مردان و زنان به سوی دفتر سازمان ملل حرکت نموده و خواهان برگشت جویا به پارلمان شدند. جویا متوجه شده بود که بسیاری از زنان ریسکی بزرگ را بجان خریده بودند که بتوانند وی را انتخاب کنند. آنها از مشکلات بزرگی گذر نمودند. وی به یاد می آورد که مینا بنیان گذار سازمان راوا به او چه گفته بود " زنان افغانستان چون شیر های خفته ای هستند که اگر بیدار شوند .. نقشی بزرگ را در انقلاب اجتماعی کشور بازی خواهند کرد".

جویا رهبران را لعنت می کند و روی نام آنها تف می کند و می گوید " مردم تک تک این سیاستمداران و جنایاتی را که آنان مرتکب شده اند را می شناسند. آنها بنام اسلام و جهاد صحبت می کنند تا جنگ بر علیه مردم خود را به پیش برند و زنان افغانی را مورد ظلم و ستم قرار دهند. سازمان سیای آمریکا و ای اس ای پاکستان که میلیون ها به کیسه آنها جاری می کنند.

ملاله جویا افغانستان امروزی را " له شده میان دو دشمن" می داند: طالبان از سوئی و نیروهای آمریکا/ ناتو و طرفداران داخلی (جبهه شمال) از سوی دیگر". وی از خود می پرسد که چه اهداف و امیدهایی آن مبارزانی دارند که در رسانه های مطلوب آمریکائی بطورکل با طالبان ها در یک کاسه قاطی می شوند.

آیا به واقع آنها همان اهدافی را دارند که رهبران قصی القلب دارند. کسانی که در آواخر سال های 90 حکومت می کردند؟ این پرسش ناروشن باقی می ماند.

جویا سخنگوی با شهامتی است که وضعیت و موضع کنونی افغانستان را بیان می کند. وضعیت و موضعی که از سوی دولت کارزای و پشتیبانان ناتویش با سکوت روبرو می شود. جویا در باره اعتقاد راسخ و حرکت های شهامت آمیز بسیاری از زنان افغانستان که چون خود او فکر می کنند می نویسد.

ملاله باور کامل دارد که آنچه که به نقش آمریکا و ناتو ربط پیدا می کند (آنها رهبران جنگ و قاچاقچی ها) را به قدرت رساندند.

تصمیم اوباما مبنی بر فرستادن 30000 سرباز اضافی به افغانستان یعنی ادامه سیاست بوش در افغانستان، وی می گوید "خر همان خر است تنها پالانش عوض شده است".

خواست ملاله از تمامی نیروهای خارجی در افغانستان کاملاً روشن است: فوراً افغانستان را ترک کنید!

اصل مقاله: A Voice of Resistance in Afghanistan

برگردان به آلمانی: Andrea Noll

آلمان: جمهوری اسلامی نباید اجازت عضویت در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را بپاید

پنجشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۴ مارس ۲۰۱۰

آلمان می گوید جمهوری اسلامی ایران نباید اجازه عضویت در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را بپاید.

گیدو وستروله وزیر امور خارجه آلمان روز چهارشنبه تأکید کرد کشورهای عضو شورای حقوق بشر باید با عضویت جمهوری اسلامی ایران در این سازمان مخالفت کنند.

آقای وستروله گفت عضویت جمهوری اسلامی ایران در این شورا توهین روشنی به حقوق بشر خواهد بود.

وزیر امور خارجه آلمان در زمین عدم صلاحیت جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در این شورا به سرکوب تظاهرکنندگان پس از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در ایران اشاره کرد و گفت ایران حقوق بسیاری از شهروندان خود را نقض کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در تلاش است تا که در اواخر سال میلادی جاری به عضویت شورای حقوق بشر درآید.

واکنش نروژ به اخراج سفیر خود از ایران

پنجشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۸ - ۴ مارس ۲۰۱۰

دولت نروژ در واکنش به تصمیم ایران به اخراج یک دیپلماتش از تهران، دستور اخراج یک دیپلمات ایرانی از اسلو را صادر کرده است. علت این تنش اعطای پناهندگی سیاسی توسط دولت نروژ به محمد رضا حیدری، عضو مستعفی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلو، پایتخت نروژ است.

دولت نروژ در ماه فوریه امسال به این دیپلمات ایرانی و اعضای خانواده اش پناهندگی سیاسی اعطا کرد.

این عضو سفارت جمهوری اسلامی پس از سرکوب معترضان در روز عاشورا در تهران از سمت خود کناره گرفت و بر اساس گزارش ها، از بیم اقدام تلافی جویانه ماموران ایرانی، در اختفا به سر می برد.

خبرگزاری رویتر گزارش داده که وزارت امور خارجه ایران روز ۲۴ فوریه با احضار سفیر نروژ در تهران رسماً به اعطای پناهندگی به محمد رضا حیدری اعتراض کرد و از نروژ خواست که یک دیپلماتش را از تهران خارج کند.

وزارت امور خارجه نروژ نیز روز چهارشنبه (۳ مارس) در واکنشی متقابل، از ایران خواست که یک دیپلماتش را از اسلو خارج کند.

پسر بنیانگذار جنبش حماس جاسوس اسرائیل از آب درآمد

پنجشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۲۵ فوریه ۲۰۱۰



پسر شیخ حسن یوسف، بنیانگذار و رهبر اصلی جنبش حماس در کرانه باختری، تایید می‌کند که سال‌ها به عنوان جاسوس اسرائیل فعالیت

می‌کرده است.

مصعب حسن یوسف، پسر شیخ حسن یوسف، در مصاحبه‌ای با روزنامه هاآرتص تایید کرده است که در سال‌های پی در پی «شین بت»، تشکیلات امنیت داخلی اسرائیل، را از تصمیمات مهم سران حماس و به‌ویژه عملیات‌های انتحاری که قرار بوده انجام شود آگاه می‌کرده و با رساندن اخبار موجب خنثی شدن آنها می‌شده است.

مصعب حسن یوسف که اکنون ۳۲ سال دارد می‌گوید به اقدام خود افتخار می‌کند و هیچگاه از کرده خویش پشیمان نیست، زیرا موجب نجات جان انسان‌های بی‌شمار شده است.

مصعب حسن یوسف که از ده سال پیش از اسلام «به خاطر تشویق به خشونت» بریده و به مسیحیت گرویده و اکنون در آمریکا زندگی می‌کند به روزنامه اسرائیلی هاآرتص گفته است که تا هنگامی که افراطیون رهبری فلسطینی‌ها را در دست داشته باشند صلح را امکان‌پذیر نمی‌داند.

مصعب حسن یوسف هنگامی که حدود ۱۸ سال داشت، در سال ۱۹۹۶ به خاطر دخالت در اقدامی تروریستی برای نخستین بار از سوی تشکیلات امنیتی اسرائیل دستگیر شد.

در آن سال که تازه اسحاق رابین، نخست وزیر وقت اسرائیل، کشته شده بود و اسرائیل در آستانه انتخاباتی سرسختانه میان حزب کارگر با حزب لیکود بود، حماس به یک سلسله عملیات انتحاری گسترده دست زد که هدف از آنها جلوگیری از پیگیری روند صلح میان یاسر عرفات و دولت اسرائیل بود.

حماس در هدف خود موفق شد و با شکست شیمون پرز که جانشین اسحاق رابین بود، بنیامین نتانیا هو، رهبر لیکود، به نخست وزیری رسید. در چندین عملیات انتحاری پی در پی آن سال، صدها اسرائیلی در شهرهای مختلف، به‌ویژه اورشلیم، در اماکن عمومی کشته و صدها تن دیگر زخمی شدند. این عملیات در سال‌های بعد نیز کماکان ادامه یافت، اما اوج آن دوباره پس از «انتفاضه الاقصی» بود.

مصعب حسن یوسف تایید می‌کند در سال ۱۹۹۶ که تازه دستگیر شده بود، توسط بازجویان «شین بت» یا شباک متقاعد شد که خبرها را به اطلاع این سازمان برساند تا از عملیات تروریستی دیگر تا حد ممکن جلوگیری شود.

مرد شماره دو طالبان بازداشت شد

نیروهای امنیتی پاکستان می گویند مرد شماره دو طالبان را دستگیر کرده اند.

گزارشها از پاکستان حاکی است که «ملا عبدالغنی برادر» از فرماندهان ارشد طالبان در یورش مشترک نیروهای آمریکایی و پاکستانی در کراچی دستگیر شده و به گفته منابع اطلاعاتی پاکستان، تحت بازجویی مأموران امنیتی پاکستان و آمریکا قرار دارد. سی ان ان گزارش کرده است که ملا عبدالغنی که به «مرد شماره دو طالبان» شهرت دارد، با ملا محمد عمر، رهبر طالبان، در ارتباط مداوم بوده و در جریان حملات ۱۱ سپتامبر نیز با اسامه بن لادن رهبر القاعده همکاری نزدیکی داشته است.

ملا عبدالغنی ۴۲ ساله که طالبان به وی به خاطر ارتباط نزدیکش با ملا محمد عمر لقب «ملا برادر» داده اند پس از سرنگونی طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱ به شهر کویته در پاکستان رفت و علاوه بر مسئولیت‌های نظامی به عنوان معاون سیاسی رهبر طالبان نیز شناخته می‌شد.

در سال‌های اخیر نیز ملا محمد عمر، مسئولیت تمامی عملیات‌های نظامی و سیاست‌های کلان طالبان در افغانستان را به ملا عبدالغنی واگذار کرده بود.

خبر دستگیری این مقام ارشد طالبان در حالی است که قاری یوسف احمدی، سخنگوی طالبان، با رد این خبر مدعی است که ملا عبدالغنی در حال حاضر در افغانستان و درگیر انجام عملیات نظامی است.

ملا عبدالغنی، یکی از چهار فردی است که به همراه ملا محمد عمر در سال ۱۹۹۴ هسته اولیه طالبان را بنیان گذاشتند. وی پیش از این نیز یک بار توسط نیروهای متحد آمریکا در افغانستان بازداشت شده بود که به طور مرموزی موفق به فرار از زندان شد.